



فقه و لزوم اجتهاد در هنر معاصر

در جامعه اسلامی، از زمان رسول(ص) و امامان(علیهم السلام) همواره هنرمندان مورد احترام و تقدیر و تشویق بوده‌اند و لذا هنرمندان چه در زمان تشریع و چه در زمان صحابه و چه در زمان تابعان و چه در زمان پیروان آنها، از منزلت خاص برخوردار بودند.

در جامعه اسلامی، از زمان رسول(ص) و امامان(علیهم السلام) همواره هنرمندان مورد احترام و تقدیر و تشویق بوده‌اند و لذا هنرمندان چه در زمان تشریع و چه در زمان صحابه و چه در زمان تابعان و چه در زمان پیروان آنها، از منزلت خاص برخوردار بودند.

شبکه اجتهاد؛ گرایش به زیبایی و دوری از زشتی، فطری است. هر انسانی، به طبع نخستین خویش، نغمه خوش، آهنگ دلنشین، منظره چشم نواز و... را خوش می‌دارد. این حس زیبایی خواهی، آن گاه که با کمال جویی انسان، به هم آمیزد، او را به آنچه از پدیده های طبیعی می بیند و حس می کند، قانع نمی سازد، دوست دارد آنچه را خود احساس می کند، بیافریند؛ از این رو پدیده های زیبای جهان را بر می گزیند و با احساسی که خود از آنان دارد و آن گونه که پسند خویش است، به نیروی خیال دگرگون می سازد، باز آفرینی می کند و احساس خود را از پدیده های هستی به گونه زیبا و دلنواز به نمایش می گذارد. چنین کوششی که به آفرینش اثری زیبا می انجامد، هنر نامیده

می شود و حاصل آن کوشش، اثر هنری و آفریننده آن را هنرمند می نامند. زبان هنر، همیشه برای بیان حقیقت باز است؛ چرا که مالک راهها و شیوه های مختلف است به هزار زبان سخن می گوید. زبان هنر، زبان بین المللی است و توانمند ارتباط، با همه انسانها از هر نژاد و قبیله. وجود این ویژگیها: گستردگی قلمرو، قدرت نفوذ، توانایی تبیین و تفهیم، همواره هنر را مورد توجه انسانها قرار داده است و افکار و اندیشه ها را به خود گرایانده است. هرچند هنر نیز، همانند علم و دیگر تواناییهای فطری انسان، از دستبرد و تجاوز زورمداران و

قدرت طلبان تاریخ در امان نمانده است و مورد سوء استفاده آنان قرار گرفته، ولی حق خواهان و مظلومان تاریخ نیز، از این قدرت عظیم الهی بهره برده اند. پیشرفت صنعت و تکنیک، به هنر تواناییهای چشمگیری داده، تمامی زندگی فردی و اجتماعی انسان امروز را صحنه بروز و ظهور خود قرار داده است. تنها در عرصه پیام رسانی، از در و دیوار شهرها و صفحه های کتاب و روزنامه ها گرفته تا عظیم ترین وسایل و ابزار ارتباطی را جلوه گاه خود ساخته است، به گونه ای که ایجاد ارتباط برای انسان امروز، غیر از زبان هنر، باز دارندة های فراوانی دارد که کار را غیر ممکن می سازد. این حضور جدی در زندگی انسانها، حساسیت نسبت به هنر را هم در قسمت فلسفی و هم در قسمت کاربردی، چند برابر کرده است.

1- تعریف هنر

درباره تعریف هنر دو بینش و اعتقاد وجود دارد:

برخی بر این اعتقادند که هنر دارای تعریف نیست؛ زیرا خود، خویش را بسنده است و بدین جهت خود، غایت خویش است، و بینش دیگری بر این است که هنر دارای تعریف است. از نظر ما می‌توان تعریفهای گوناگون و مختلفی را که منبعث از ساختار جامعه و یا جهان بینی است درباره هنر ارائه داد. از جمله:

الف- هنر تلاش و کوشش برای پدید آوردن زیبایی است و این وقتی است که انسان احساساتی را که خود آزمایش کرده به گونه زیبا و جالب و جذاب به دیگران انتقال دهد؛ ب- هنر کوششی است که از انسان برای تصویر تائرات ناشی از حقایق هستی که در حس او ایجاد می‌شود؛ تصویری زنده و موثر؛ ج- دهان گشایی روح است همان گونه که دهان به آه و نیایش و خمیازه و دشنام و لبخند و... گشوده می‌شود؛ د- کاری است که معنی و ارزش و حتی واقعیت‌هایی را که در اشیا نهفته است می‌نمایاند و گویای آنهاست؛ ه- هنر عملی است منبعث از شناخت و آگاهی کامل از امری که ثمره آن زیبایی و جمال است؛ و- کاری ظریف و زیبا که از روح پاک و پر احساس و لطیف سرچشمه می‌گیرد؛ و... دیگر تعاریف متعدد و متکثر از هنر. هیچ یک از این تعریفها را نمی‌توان تعریف منطقی، یعنی جامع و مانع به حساب آورد. مثلاً به عنوان نمونه، از زیبایی که سؤال می‌شود گله را ارائه می‌دهند و این از مصادیق زیبایی است نه خود زیبایی. در هر حال آنچه می‌توان از راه آثار و خواصش آن را شناساند نه از راه ماهیت واقعی آن. به سخن دیگر گوهر هنر، یک حقیقت معنوی است که روح بشر آن را به طور غیر اکتسابی درک می‌کند، ولی نمی‌تواند از آن توضیحی ارائه دهد. بلکه توضیح آن، به ویژگیها و نمودهایی است که به صورت آثار و خواص و کیفیت و کمیت ظاهری آشکار می‌شود. در مورد نمودها و ویژگیهای هنر می‌توان امور زیر را بیان کرد. هنر ابداع و خلاقیت و ابتکار است، هنر: لطیف ظریف، دقیق و موزون است، هنر روح افزا و روح پرور و تجلی روح آدمی است، هنر کار دل است پیش از آنکه کار مغز آدمی باشد.

2- برخورداری هنرها از وجه مشترک

اقسام هنر، با همه تنوع و تعددش، همه و همه جلوه‌های هم سنخ و جوشیده از ژرفای اندیشه‌اند. پس همه دارای یک وجه مشترک می‌باشند و در حقیقت انواعی می‌باشند که در تحت یک جنس‌اند و یا به تعبیر دیگر، اصنافی می‌باشند که تحت یک نوع قرار دارند که آن یک نوع همین‌طور که در تعریف هنر اشاره شد، عبارت از گوهری معنوی است که فقط روح آزاده بشر، قدرت درک آن را دارد،

بی‌آنکه بتواند آن را به طور خالص توصیف کند.

3- مصادیق هنر

مصادیق هنر عبارتند از: موسیقی (خوانندگی، نوازندگی) شعر، نویسندگی، نقاشی، مجسمه سازی، معماری، تئاتر، سینما، خوشنویسی، عکاسی، کارهای دستی ظریف، گرافیک و...

4- هنرمند چه کسی است

عنوان هنرمند بر فردی اطلاق می‌شود که بتواند، زیباییها، کمالها و خوبیهای پنهان را از راه هنر ترسیم نماید. حال چه از راه فیلم، نقاشی، مجسمه‌سازی و چه از راه شعر، آهنگ، نویسندگی و جز اینها. به عنوان نمونه، آن شاعر هنرمند است که ویژگیهای پنهان را برجسته ساخته و معانی مکتوم را جا نماید شعر خود قرار داده و با یک جرقه از یک بیت آتشی در دلها شعله‌ور می‌سازد. چنانکه رودکی با چند بیت سلطان سامانی را از خود بی‌قرار ساخته و پا برهنه (بی‌موزه) وی را روانه بخارا می‌کند. آن نویسنده هنرمند است که با قلم خود مفاهیم عالی و مطالب علمی مهم را درون مایه نوشته مختصر خود قرار داده و آنها را به گونه مطلوب، گیرا و جالب و جذاب می‌پردازد و سخته می‌گرداند و با جمال و کمال به خوانندگان و پژوهندگان عرضه می‌دارد. آن بازیگر صحنه‌های نمایشی است که وی در صحنه بازی حقایق بسیار سازنده و پرفایده‌ای را که پراکنده‌اند آرمان بازی خود قرار می‌دهد و آنها را ترکیب می‌کند و سپس پرورانده و تجسم می‌دهد، آنچنانکه تماشاگر را در جریان نمایش، از خود بی‌خود می‌سازد و در کوتاه‌ترین مدت و با بالاترین کیفیت، پیام نمایش را به اذهان می‌رساند. آن خواننده است که با خواندن چند بیت دارای مضمون پسندیده و محتوان عالی دل‌های کاملاً آزرده را تسلی می‌بخشد، انسانهای پریشان را آسوده خاطر می‌سازد و آدم‌های افسرده را شادمان می‌کند. چون صدای خوش و نیکوی وی، نیروی شنوایی آرزوها در بوستان جان و بهار دل را تحریک می‌کند. نغمه‌ها، آهنگها و نواهای آرمانی و ملکوتی بخشی از نطق آدمی هستند که در درون او مانده و چون نطق و زبان انسان توانایی بیرون کشیدن آن را از درون آدمی ندارد به ناگزیر، به واسطه آهنگهای نیکو بر اساس ترجیع، نه تقطیع از درون او بیرون کشیده و اظهار می‌دارند و چون از راه نواها و آهنگهای حلال باقی مانده نطق آشکار گشت، نفس بدان عشق می‌ورزد و جان به طرف او مایل می‌شود. از این روی، انسانها از هر نژاد و ملتی که باشند، از صدای نیکو و زیبا شادمان گشته و آواز خوش را دوست می‌دارند. ولی باید از این وسیله مهم برای صلاح و اصلاح فرد و جامعه کمک گرفت نه برای فساد و افساد.

5- هنرمند از دیدگاه پیشوایان اسلامی: بر همگان واضح و روشن است که هنر و فن زیور فرد و جامعه است و هنرمندان متعهد و پایبند به اخلاق، از جمله زینت بخشان اجتماع به شمار می‌روند و کارهای هنری آنان از هر نوع که باشد، باعث التذاذ خاطر انسانها می‌شوند و آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

در هر حال در جامعه اسلامی، از زمان رسول (ص) و امامان (علیهم السلام) همواره هنرمندان مورد احترام و تقدیر و تشویق بوده‌اند و لذا هنرمندان چه در زمان تشریع و چه در زمان صحابه و چه در زمان تابعان و چه در زمان پیروان آنها، از منزلت خاص برخوردار بودند و در بخشهای بعدی بیان می‌شود به عقیده من جامعه‌ای که هنرمندان متعهد ندارد، زینت ندارد.

منبع: روزنامه رسالت